

رہایی از اعتیاد به غیبت کردن

جان سارتل

در دوران دبیرستان، دوست صمیمی ام به دزدی از فروشگاه متهم شد. هیچ اتهام رسمی متوجه او نشد، اما شایعات اتهامات غیررسمی در سراسر شهر کوچک ما پخش شد. با وجود تکذیب‌های او، غیبت‌ها و شایعه‌پراکنی‌های مردم محلی او را گناه کار شمردند. چند ماه بعد، مجرم واقعی به آرامی آشکار شد، اما هیچ عذرخواهی خصوصی یا عمومی برای اتهامات نادرست صورت نگرفت. بیشتر افراد جامعه همچنان فکر می‌کردند دوست من گناه کار است، حتی پس از اثبات بی‌گناهی او.

در سراسر کتاب مقدس هشدارهایی در مورد گناهان و خطرات غیبت و افترا وجود دارد. این‌ها گناهان پیش‌پا افتاده و ناچیزی نیستند. پولس در رومیان ۱: ۲۸-۳۱ به طور قاطع درباره‌ی فساد و تباهی انسان می‌نویسد:

«و چون روا نداشتند که خدا را در دانش خود نگاه دارند، خدا ایشان را به ذهن مردود واگذاشت تا کارهای ناشایسته به جا آورند. مملو از هر نوع ناراستی و شرارت و طمع و خبثت؛ پُر از حسد و قتل و جدال و مکر و بدخویی؛ غم‌زان و غیبت‌کنندگان و دشمنان خدا و اهانت‌کنندگان و متکبران و لاف‌زنان و مُبَدِعان شرّ و نامطیعان والدین؛ بی‌فهم و بی‌وفا و بی‌الفت و بی‌رحم.»
(رومیان ۱: ۲۸-۳۱)

پولس در حالی که درباره شرارت، قتل، بی‌رحمی و نفرت از خدا صحبت می‌کند، به افترا و غیبت نیز اشاره می‌کند. این دو عمل زیان‌آور در نزد خدا جرم‌های کوچک تلقی نمی‌شوند. با این حال، افترا و به ویژه غیبت به طور روزانه و به راحتی انجام می‌شود، گویی ما مجوز انجام چنین شرارت‌هایی را داریم.

پس افترا (تهمت) چیست و چگونه از غیبت متفاوت است؟ تهمت گفته‌ای کذب است که به شهرت فرد آسیب می‌زند. غیبت، صحبت بی‌فایده‌ای است که ممکن است درست یا نادرست باشد. گاهی اوقات ما غیبت خود را با ادعای اینکه فقط چیزهایی را که می‌دانیم درست هستند تکرار می‌کنیم، در واقع آن‌ها را توجیه می‌کنیم. غیبت، به اشتراک گذاشتن اطلاعاتی است که نباید به اشتراک گذاشته شوند. ممکن است این اطلاعات را حساس بدانیم، اما به نفع افراد درگیر نیستند. واژه یونانی ترجمه شده برای غیبت به معنای «نجوا کردن» است. ما هنگام غیبت، پچ‌پچ می‌کنیم، زیرا اطلاعاتی که درباره فرد دیگری به اشتراک می‌گذاریم ممکن است بسیار شخصی، خصوصی یا آسیب‌رسان باشد. معمولاً غیبت خبری است که اگر در مورد ما باشد، تمایل نداریم دیگران آن را بدانند.

غیبت ابزاری است برای تحقیر دیگران در حالی که خودمان را برتر جلوه می‌دهیم. ما از غیبت «حقیقی» برای تخریب افرادی که دوست نداریم استفاده می‌کنیم: «بین، به تو گفتم این شخص چه نوع آدمی است.» ما غیبت را به کار می‌بریم تا موقعیت خودمان را توجیه کنیم: «بین، این تأیید می‌کند آنچه به تو گفته بودم درست بود.» ما غیبت را به کار می‌بریم تا بتوانیم منبع بی‌چون و چرای اطلاعات مهم باشیم. می‌خواهیم اولین کسی باشیم که خبرهای جدید را به دوستانمان اعلام می‌کنیم. صرف نظر از توجیهاتمان، خدا

این را گناهی بزرگ می‌داند که در فهرست بدترین شرارت‌ها قرار دارد. من خدا را شاکر هستم که ویراستاران مجله‌ی تبیل‌تاک از من خواستند درباره این موضوع بنویسم، زیرا این مطالعه به من یادآوری کرده که خودم هم از این تاریکی لذت می‌برم و زبانه در اهداف شیطانی به کار می‌رود.

پس چگونه خودمان را از این گناه شنیع دور نگاه داریم؟ وقتی غیبت می‌شنویم، چه باید بکنیم؟ چه کار باید بکنیم تا عامل غیبت نباشیم؟

ابتدا باید نسبت به صحت آنچه می‌شنویم اطمینان حاصل کنیم. اگر صحت نداشته باشد و ما آن را تکرار کنیم، گناه ما به افترا تبدیل می‌شود. اگر حقیقت داشته باشد، می‌توانیم نسبت به فرد خطاکار رفتاری مملو از بخشش داشته باشیم یا به کسی که به او ستم شده، تسلی ببخشیم. اگر غیبت دروغ باشد، باید با فردی که دروغ به ما گفته است صحبت کنیم. هدف از جستجوی حقیقت نباید این باشد که بتوانیم غیبت را با وجدانی آسوده انتقال دهیم.

دوم اینکه، باید از خود پرسیم: «آیا سخنان ما باعث برکتی برای جهان اطرافمان خواهد بود؟ آیا کلمات ما دلگرمی، شفا و صلح را ترویج می‌کنند؟» نویسنده امثال می‌گوید: «سخنان پسندیده مثل شان عسل است، برای جان شیرین است، و برای استخوان‌ها شفا دهنده» (امثال ۱۶: ۲۴). روح‌القدس باید گفتگوهای روزانه ما را با محبت، شادی، صلح، صبر، مهربانی، خوبی، وفاداری، و ملامت پر کند نه با غیبت. این به معنای پرسیدن چند سؤال مهم از خودمان قبل از صحبت کردن است. از به اشتراک گذاشتن این اطلاعات چه نفعی حاصل خواهد شد؟ آیا این اطلاعات بهتر است که محرمانه باقی بمانند؟ به اشتراک گذاشتن این اطلاعات چگونه عدم صداقت من را منعکس خواهند کرد؟

پس از نوشتن این کلمات، وسوسه شده‌ام که بگویم: «من فقط پیمان سکوت می‌بندم.» اما چنین پیمانی مرا از بیان کلماتی که می‌توانند کمک‌کننده، تسلی‌بخش، شفا بخش و هشداردهنده باشند، باز می‌دارد—بله، گاهی اوقات کلمات هشدار دهنده نیز پاسخی ضروری و مقدس هستند. زمانی که مسیحیان با نیت خیر، در شرایط حساس اطلاعات ضروری را ارائه نمی‌دهند، آسیب‌های بزرگی وارد می‌شود. آن‌ها باید با محبت حقیقت را بیان کنند تا به افراد مسئول کمک کنند تصمیمات درستی بگیرند. اما آنان که نمی‌خواهند اطلاعات منفی و مضر بدهند، ساکت می‌مانند. گاهی اوقات ما ملزم به ارائه ارزیابی در مورد یک گروه یا فرد هستیم. تصمیمات مهمی بر اساس شهادت‌های درخواستی ما گرفته خواهد شد. چنین ارزیابی‌هایی غیبت نیستند. عدم بیان حقیقت در چنین شرایطی می‌تواند عواقب زیان‌بار و ویران‌کننده‌ای داشته باشد.

خواننده‌ی عزیز، کنترل کردن گفتگوهایمان کار آسانی نیست. باید کلمات یعقوب را به خاطر بسپاریم:

«زیرا که هر طبیعتی از وحوش و طیور و حشرات و حیوانات بحری از طبیعت انسان رام می‌شود و رام شده است. لکن زبان را کسی از مردمان نمی‌تواند رام کند؛ شرارتی سرکش و پر از زهر قاتل است! خدا و پدر را به آن متبارک می‌خوانیم و به همان مردمان را که به صورت خدا آفریده شده‌اند، لعن می‌گوییم.» (یعقوب ۳: ۷-۹)

غیبت وسوسه‌ای روزانه است و فقط از طریق عزمی راسخ و متمرکز که توسط روح القدس تقویت می‌شود، می‌توان بر آن غلبه کرد. اگر غیبت خود را در دعا به عیسی بگوییم، به ما کمک شایانی خواهد شد. وقتی غیبت‌مان را به عیسی می‌گوییم، احتمالاً او از ما می‌پرسد: «آیا تو خود همان کارها را انجام نداده‌ای؟» (به رومیان ۱: ۲ مراجعه کنید).

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.

کشیش جان پی. سارتل سنیور، کشیش ارشد کلیسای اصلاح‌شده‌ی عهد مسیح در ممفیس، تنسی است. او نویسنده کتابی است با عنوان «آنچه والدین مسیحی باید درباره‌ی تعمید نوزادان بدانند».